

معنای فعل «کاد» در قرآن

دکتر سید بابک فرزانه^۱



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشگاه علوم انسانی

چکیده:

ترجمه «کاد» که ساختهای گوناگون آن به صورت مثبت و منفی در قرآن به کار رفته است دقت بسیار می‌طلبد. مفسران و دستور نویسان در خصوص این فعل، هنگامی که مثبت یا منفی است؛ دیدگاه‌های متفاوتی ابراز داشته‌اند. در این مقاله کوشیده‌ایم با بررسی دیدگاه‌های ارائه شده و نیز ارائه نمونه‌های قرآنی و رجوع به تفاسیر مختلف، به معانی دقیق تری از این فعل دست یابیم. کلید واژه‌ها: قرآن، کاد، کاد مثبت، کاد منفی، کاد زاید.

فعل 'کاد' (و مضارع آن یکاد) که در دستور زبان عربی از افعال مقاربه به شمار است به دو صورت مثبت و منفی بکار می رود. دستور نویسان می گویند فعل های کاد، کرب و اوشک بر نزدیکی وقوع خبر دلالت دارند. گرچه نزدیکی خبر مستلزم واقع شدن آن نیست بلکه گاه وقوع آن غیر ممکن است. مانند این آیه شریفه: یکاد زیتها یضیء ولو لم تمسسه نار (النور، ۳۵) نزدیک است که روغنش - هر چند بدان آتشی نرسیده باشد - روشنی بخشد* (فولادوند).

اگر کسی بگوید: 'کاد سعید بیکی'، بدین معنا است که سعید نزدیک بود گریه کند اما نکرد. یعنی عمل گریه کردن منتفی است. در این خصوص فراء و ازهری می گویند: کاد مثبت به معنای نفی وقوع خبر است (رک: ازهری، ۳۲۷/۱۰-۳۲۹) و کاد منفی 'ما کاد یا لم یکد' به اعتقاد غالب دستور نویسان و زبان شناسان نفی مطلق خبر است (رک: ابن هشام، ۸۶۹/۱؛ ابن فارس، ۱۶۰) به عنوان نمونه در عبارت: 'لم یکد الثمر ینضج' رسیدن میوه، منتفی است. بر این اساس در بیشتر تفاسیر، آیه شریفه 'اذا اخرج یده لم یکد یراها' (النور، ۴۰). این گونه تفسیر شده که هنگامی که کافر در آن انبوه ظلمت و تاریکی دست خود را خارج می کند آن را نمی بیند. مثلاً زمخشری در تفسیر خود می نویسد: 'لم یکد یراها' مبالغه 'لم یرها' است (کشاف، ۶۲۶، ۸۴۴). برخی نیز گفته اند: یعنی دست خود را به سختی و مشقت می بیند (رک: شیخ طوسی، ۱۵۷/۲-۱۵۸؛ بلاغی، ۲۰/۵؛ حسینی، ۵۷۶/۲؛ سلطان علیشاه، ۱۲۵/۳؛ طباطبائی، ۱۴۳/۱۵؛ زمخشری، المفصل، ۱۲۲؛ ابن هشام، ۸۶۹/۱؛ ابوالبقاء، ۱۹۵/۱؛ عکبری، ۱۵۷/۲). در حالی که فراء و ازهری بر آنند که نفی 'کاد' به معنای اثبات آن است و مورد یاد شده را فرا استثناء دانسته است 'وقال الفراء: کلاما اخرج یده لم یکد یراها من شدة الظلمة لان اقل من هذه الظلمة لا تری الید فیه و اما لم یکد یقوم فقد قام، هذا اکثر اللغه' (رک: ابن عیث، ۱۲۴/۷؛ ابن منظور، ماده کود).

نمونه های قرآنی برای 'کاد' مثبت

۱- و لما رجع موسی الی قومه غضبان اسفاً قال بنس ما خلقتمونی من بعدی اَعْجَلْتُمْ اَمْرَ رَبِّکُمْ وَاَلْقَى الْاَلْوَاحَ وَاَخَذَ بِرَاسِ اَخِيهِ بِجِرْهٍ اِلَيْهِ قَالَ ابْنُ اِمَّانِ الْقَوْمِ اسْتَضْعَفُونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونِي فَلَا تَشْمِتْ بِي الْاَعْدَاءُ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (الأعراف، ۱۵۰). 'و چون موسی خشمناک و اندوهگین به سوی قوم خود بازگشت گفت پس از من چه بد جانشینی برای من بودید. آیا بر فرمان پروردگارتان پیشی گرفتید؟ و الواح را افکند و موی سر برادرش را گرفت و او را به طرف خود کشید. هارون گفت ای فرزند

مادرم این قوم مرا ناتوان یافتند و چیزی نمانده بود که مرا بکشند. پس مرا دشمن شاد مکن و مرادر شمار گروه ستمکاران قرار مده. همانطور که ملاحظه می شود فعل کاد که به صورت مثبت در کنار یک فعل اصلی (یقتلوننی) نشسته، بدان معنای منفی بخشیده است. یعنی عمل کشتن صورت نپذیرفته و منتفی است.

۲- لقد تاب الله على النبي والمهاجرين والأنصار الذين اتبعوه في ساعة العسرة من بعد ما كاد يزيغ قلوب فريق منهم ثم تاب عليهم انه بهم رؤوف رحيم (التوبة، ۱۱۷).^۱ به یقین خدا بر پیامبر و مهاجران و انصار که در آن ساعت دشوار از او پیروی کردند ببخشد، بعد از آنکه چیزی نمانده بود که دل های دسته ای از آنان منحرف شود. باز بر ایشان ببخشد. چرا که او نسبت به آنان مهربان و رحیم است. علامه طباطبایی (ره) در تفسیر این آیه شریفه می نویسد: خدا، پیغمبر (ص) و مهاجران و انصار را بخشید. همان کسانی که در موقع سختی از او پیروی کردند پس از آنکه نزدیک بود دل های گروهی از ایشان از حق منحرف گردد. سپس آنها را ببخشید که خدا با آنان مهربان و رحیم است (۵۳۷/۹). در تفاسیر آمده که مراد از گروهی که نزدیک بود دل هایشان به سبب سختی هایی که در جنگ تبوک بدانان رسیده بود منحرف گردد ابودر، ابو خثیمه و عمیره بن وهب است (حویزی، ۲۷۷/۲؛ قمی، ۵۶۲/۵). در این آیه نیز انحراف قلوب، صورت نپذیرفته است. بنا بر این معنای کاد یزیغ، لم یزیغ است.

۳- وان كادوا ليفتنونك عن الذي اوحينا اليك لتفتری علينا غيره و اذا لا تخذوك خلیلا و لولا ان ثبتناك لقد كدت تركن اليهم شینا قليلا (الاسراء، ۷۳-۷۴). نزدیک بود آنها از آنچه بر تو وحی کرده ایم بفریبند تا غیر آن را به ما نسبت دهی و در آن صورت تو را به دوستی خود برمی گزینند و اگر ما تو را ثابت قدم نمی ساختیم نزدیک بود به آنان (جماعت ثقیف) تمایل کنی (ترجمه مکارم شیرازی؛ برای تفسیر بیشتر رک: حسینی، ۲۵۷/۲؛ جرجانی، ۳۲۳/۵). بنابراین در آیه یاد شده کاد معنی منفی به فعل پس از خود بخشیده است.

۴- وقالوا اتخذ الرحمن ولدا لقد جئتم شیئا ادا تكاد السماوات يتفطرن منه وتنشق الارض و تخر الجبال هدا ان دعوا للرحمان ولدا (مریم، ۸۸-۹۱). و کافران گفتند که خدای رحمان، فرزندی اتخاذ کرده است. (ای کافران) شما گفتار بسیار قبیح و زشتی بر زبان آوردید. نزدیک بود آسمان ها و زمین از این گفتار زشت از هم بپاشند و تلاشی گردند و کوه ها فروریزند که برای خدای رحمان فرزندی خواندند.

۵- الله نور السموات و الارض مثل نوره كمشكاة فيها مصباح، المصباح فی زجاجة، الزجاجه كأنها كوكب دري یوقد من شجرة مباركة زيتونة لا شرقية و لا غربية يكاد زيتها یضیء و لو لم تمسسه نار، نور علی نور، یهدی الله لنوره من یشاء و یضرب الله الامثال للناس والله بكل شیء علیم (النور، ۳۵).

"خدا نور آسمان ها و زمین است. مثل نور او چون چراغدانی است که در آن چراغی و آن چراغ در شیشه ای است آن شیشه گویی اختری درخشان است که از درخت خجسته زیتونی که نه شرقی است و نه غربی، فروخته می شود. نزدیک است که روغنش - هر چند بدان آتشی نرسیده باشد- روشنی بخشد. روشنی بر روی روشنی است. خدا هر که را بخواهد با نور خویش هدایت می کند و این مثل ها را خدا برای مردم می زند و خدا به هر چیزی داناست."

۶- ... یکاد سنا برقه یذهب بالأبصار (النور، ۴۳). "نزدیک است درخشندگی برق آن (ابرها) چشم ها را ببرد."

۷- ... ان کاد لیضلنا عن آلہتنا لولا ان صبرنا علیہا (الفرقان، ۴۱-۴۲). اگر نسبت به خدایانمان وفادار نمانده بودیم نزدیک بود گمراهمان کند."

در همه نمونه های یاد شده شکل مثبت کاد به فعل اصلی جمله معنی منفی بخشیده است.

۸- و اصبح فوآدم موسی فارغان کادت لتبدي به لولا ان ربطنا علی قلبها لتکون من المؤمنین (القصص، ۱۰). یعنی قلب مادر موسی (ع) از همه چیز آسوده بود جز از خیال موسی (ع). گویند: یعنی قلبش از غم و اندوه موسی (ع) آسوده بود. زیرا اطمینان داشت که پسرش نجات می یابد و وعده خدا حق است. برخی گویند: یعنی وعده خدا را فراموش کرده بود اگر ما دل مادر موسی (ع) را به صبر و یقین تقویت نکرده بودیم نزدیک بود که از شدت غم، ناله خود را بیاد فرزند بلند کند (طبرسی، ۱۶۴/۱۸). اما این اتفاق نیافتاد. یعنی مادر موسی (ع) نزدیک بود از فرط اضطراب داستان موسی (ع) و راز درون خود را آشکار کند اما نکرد. بنابر این کاد مثبت در این آیه معنای منفی دارد (رک: لاهیجی، ۴۵۷/۳).

نمونه های قرآنی برای کاد منفی

۱- قالوا الآن جئت بالحق فذبوها و ما کادوا یفعلون (البقرة، ۷۱).

گفتند الان حقیقت را برای ما روشن کردی (آنگاه گاو را پیدا کرده) و آن را سر بریدند. ولی نزدیک بود که این کار را انجام ندهند (ترجمه احمد کاویان پور).

- اکنون حقیقت حال را روشن ساختی آنگاه گاو را سر بریدند، هر چند چیزی نمانده بود که آن کار را انجام ندهند (ترجمه کاظم پورجوادی).

- گفتند: اکنون حقیقت را گفتی. پس آن را کشتند، هر چند که نزدیک بود از آن سر باز زنند (ترجمه

عبدالمحمد آیتی).

در تفسیرگازز آمده (۱۰۶/۱): پس آنگاه آن گاو را طلب کردند و بیافتند و به بهاء گران بخریدند و بکشند و نزدیک بود که نکنند از گرانی بها (نیز رک: کاشانی، ۲۳۷). با توجه به آنچه گذشت باید گفت معنای کاد منفی در این آیه شریفه برخلاف نظر برخی چون فراء و ازهری و آنان که این آیه را شاهدی برای نظر خود آورده اند (ابن هشام، ۸۶۸/۱) اثبات نیست بلکه اثبات ذبح از فذبحوها دریافت می گردد و نه از ما کادوا یفعلون. زیرا بنی اسرائیل به سبب گرانی گاو و ترس از مشخص شدن قاتل نمی خواستند فرمان خدا را اجرا کنند. از سوی دیگر "ما کادوا یفعلون" نمی تواند منافی "فذبحوها" باشد زیرا از نظر زمانی با یکدیگر مغایرت دارند. به عبارت دیگر آنان این کار را انجام ندادند (ما کادوا یفعلون) تا اینکه پرسش هایشان به پایان رسید و جایی برای تعللشان باقی نماند از این رو گاو را ذبح کردند (فذبحوها). در کتاب امالی شریف مرتضی (۳۳۷/۱) آمده: در عبارتی چون "ما کاد (لم یکد) عبدالله یقوم" دو معنی می توان برای کاد منفی در نظر گرفت:

الف) درنگ و کندی سپس آیه یاد شده را نمونه می آورد: فذبحوها و ما کادوا یفعلون یعنی پس از کندی و درنگ آن را ذبح کردند. چه یافتن آن گاو برایشان دشوار و یا گران بود.

ب) نفی مطلق مانند: اذا اخرج یده لم یکد یراها. گفتنی است برخی کاد منفی را در این جا به همان معنی کندی و درنگ دانسته اند و برخی نیز گفته اند به معنی لم یرد (نخواست) است که در این صورت معنی آیه چنین است: آنگاه که دست خود را خارج کرد نخواست که (آن را) ببیند. زیرا انبوه ظلمت وی را از این که دستش را ببیند مایوس نمود (همانجا). گروهی نیز واژه (یکد) را زاید و به منظور تاکید دانسته اند (همو، ۳۳۱-۳۳۲).

۲- قل کل من عندالله فما لهؤلاء القوم لا یکادون یفقهون حدیثا (نساء ۷۷) چه بر سر این قوم آمده که هیچ سخنی را نمی فهمند (آیتی).

در تفسیر تبیان آمده حدیث در این آیه شریفه به معنی قرآن و (لا یکادون) به معنی لا یقاربون است (ص ۲۶۳). طبرسی نیز معنای (لا یکادون یفقهون) را لا یفقهون حدیثا دانسته است (مجمع البیان، ۷۷۲)

۳- حتی اذا بلغ بین السدین وجد من دونهما قوما لا یکادون یفقهون قولاً (کهف/۹۳) لاهیجی در تفسیر این آیه می نویسد (۹۵۳/۲): "تا چون رسید میان دو کوه یافت در پیش آن دو کوه گروهی را که نزدیک نبودند بفهمند ایشان سخنی را به واسطه غرابت لغت ایشان و قلت فطنت آنها". دیگر نمونه های کاد منفی در قرآن نیز بدینگونه است که گفته شد.

نتیجه گیری :

از بررسی به عمل آمده معلوم گشت که کاد مثبت تنها بر نزدیکی وقوع خبر دلالت دارد نه بر وقوع آن و کاد منفی مقاربت خبر را نفی می کند و از این رو خبر منفی پس از کاد موکد تر از خبر منفی بدون کاد است. این امر مغایر است با آنچه فراء و ازهری گفته اند مبنی بر اینکه ماکدات ابلغ الیک به معنای قد ابلغ است. اما دیدگاه اخفش را تایید می کند که گفته : خبری که با کاد منفی می آید منفی بودنش با تاکید بیشتری بیان شده تا خبری که خود منفی است.

● منابع

علاوه بر قرآن کریم:

- ۱- ابن جنی، عثمان، سمر صناعۃ الاعراب، به کوشش حسن هندای، دمشق، ۱۹۸۵م.
- ۲- ابن فارس، احمد، الصحاحی فی فقه اللغة العربیة به کوشش مصطفی الشویحی، بیروت، ۱۳۸۲ق/۱۹۶۳م.
- ۳- ابن منظور، لسان العرب.
- ۴- ابن هشام، عبدالله، مغنی اللیب عن کتب الأعراب، به کوشش مازن مبارک و محمد علی حمد الله، بیروت، ۱۹۸۵م.
- ۵- ابن یعیش، شرح المفصل، بیروت، عالم الکتب، بی تا.
- ۶- ابوالقاء، عبدالله، اللباب فی علل البناء و الاعراب، به کوشش غازی مختار طلبیات، دمشق، ۱۹۹۵م.
- ۷- ازهری، ابومصور، تهذیب اللغة، به کوشش علی حسن هلالی، قاهره، ۱۹۶۴م.
- ۸- بلاغی، عبد الحجة، حجة التفاسیر، قم، ۱۳۴۵ش.
- ۹- جرجانی، حسین، جلاء الأذهان و جلاء الاحزان، تهران، ۱۳۳۷ش.
- ۱۰- حسینی، محمد کریم، کشف الحقایق، تهران، ۱۳۹۶ق.
- ۱۱- حویزی، علی، نور الثقلین، قم، بی تا.
- ۱۲- زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق التنزیل الأقریل فی وجوه التویل، قاهره، ۱۳۰۸ق.
- ۱۳- همو، المفصل فی النحو، به کوشش ی-پ- بروخ، لایبزیگ، ۱۹۷۹م.
- ۱۴- سلطان علی شاه، محمد، بیان السعادة فی مقامات العبادة، تهران، ۱۳۴۴ش.
- ۱۵- شریف مرتضی، علی، الأمالی، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، ۱۳۷۳ق/۱۹۴۵م.
- ۱۶- شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، به کوشش احمد حبیب قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- ۱۷- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، ۱۳۹۷ق.
- ۱۸- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، بیروت، ۱۳۷۹ق.
- ۱۹- عکبری، ابوالقاء، التبیان فی اعراب القرآن، به کوشش علی محمد بجای، بیروت، بی تا.
- ۲۰- قمی، محمد، کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، ۱۳۶۶ش.
- ۲۱- کاشانی، فتح الله، منهج الصادقین، تهران، ۱۳۴۴ش.
- ۲۲- لاهیجی، بهاء الدین محمد، تفسیر شریف لاهیجی، تهران، ۱۳۶۳ش.